



سنجش نحوه‌ی استفاده از فضاهای اجتماعی تاریخی در شهر شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

آرش دیده روشن

دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. arash.didehrowshan@yahoo.com

حامد مضطرزاده

استادیار، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. hamed.moztarzadeh@gmail.com

(نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: مکان‌های معنی‌دار در یک بستر اجتماعی و بر اثر تعاملات اجتماعی میان افراد در یک محیط فیزیکی شکل می‌گیرند که با بسترهای فرهنگی، اجتماعی و فعالیتی حاکم بر آن جامعه در پیوند هستند. از اینرو، مقاله حاضر قصد دارد سنجش نحوه‌ی استفاده از فضاهای تاریخی در شهر شیراز را مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش: جهت شناخت حضور پذیری افراد در مکان‌های تاریخی در بخش اصلی تحقیق یعنی مطالعه موردی از روش میدانی استفاده شده است. نمونه موردی انتخابی مرکز تاریخی شهر شیراز و نمونه‌های منتخب این پژوهش نیز یک مجموعه تاریخی و بازار آن (مجموعه زندیه) یک مکان مذهبی (مجموعه شاهچراغ) و یک محله مسکونی (محله سنگ سیاه) همگی از مرکز تاریخی شهر شیراز می‌باشند.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد عمده افرادی که در فواصل طولانی در مراکز عمومی و جمعی حضور می‌یابند، معتقد به وجود احساس آرامش، امنیت، آزادی فعالیت‌های متنوع اجتماعی، دسترسی آسان، هم‌آوایی با طبیعت در فضا، مباحث حفاظت‌های اقلیمی و همچنین وجود سایر فعالیت‌های جنبی و امکاناتی چون کافه‌ها و رستوران‌ها جهت برگزاری جلسات شخصی و گردهم آمدن افراد هستند.

نتیجه گیری: مجموعه زندیه شیراز با وجود خدمات و تسهیلات و جذابیت‌هایی که دارد به عنوان فضایی موفق عمل کرده و از اجتماع پذیری بالایی نیز برخوردار است.

واژگان کلیدی: حضور پذیری، سنجش فضاهای اجتماعی، شیراز، مراکز تاریخی، مراکز اجتماعی تاریخی

مقدمه

با توجه به این که رسیدن به ارتقا سطح اجتماعی فضا، افزایش میزان تعاملات اجتماعی و کاهش میزان تناقضات و تنش‌ها و در نهایت افزایش تعلق خاطر و ارزش مادی و معنوی سکونت گاه‌ها را در پی دارد؛ لازم است فرصت‌های مشارکت جمعی و تعاملات انسانی ایجاد و تقویت گردد. این امر مستلزم بهره‌گیری توأمان از ظرفیت‌های انسانی و فضای کالبدی است. آنچه بیش از ابعاد کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پی‌شبینی و خلق رویدادهای اجتماعی است (لنارد، ۱۹۸۴). اجتماع پذیری در فضای شهری بالاخص در عرصه‌های عمومی‌بافت تاریخی در آغاز امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی موجودیت می‌یابد. اگرچه فضای شهری در ابتدا از طریق کالبد درک می‌شود، اما آنچه به آن معنی می‌بخشد، احساس و ذهنیت افراد است (جهانبخش^۱، ۲۰۱۶). ابعاد احساسی و موقتی تجارب افراد در محیط به مثابه اجزای لاینفک تعاملات افراد و محیط زندگی شناخته شده است. این امر بر پیوستگی فضای زندگی افراد و ادراک آنها از فضای زندگیشان دلالت دارد (بونایتو و بونز^۲، ۲۰۰۰). از این رو، دلبستگی به مکان نه تنها به وسیله وجوه فیزیکی تقویت می‌شود، بلکه کیفیت رفتارها و تعاملات اجتماعی در بافت تاریخی نیز بر دلبستگی به فضا مؤثر هستند (پول، ۲۰۰۲). در قلمروهای عمومی‌شهری الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضای معماری در عرصه‌های عمومی‌بافت تاریخی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. در فضاهای عمومی‌اجتماع پذیر توفیق ملاقات برای گروه‌های مختلف به دست می‌آید و از همین رو مقرهایی اند که به حیات و هویت جمعی تعلق دارند (لنگ، ۱۹۸۳). با در نظر گرفتن دو نوع محیط اجتماع پذیر و محیط اجتماع گریز می‌توان گفت «محیط‌های اجتماع پذیر موجب تشویق و ترغیب رفتارهای اجتماعی و جمعی می‌گردند و محیط‌های اجتماع گریز تحولات اجتماعی را کم می‌نمایند (اسمند^۳، ۱۹۵۷). بنابراین ایجاد فضاهای دعوت کننده متناسب با اقلیم و قابلیت‌های سایت و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و بافت اجتماعی و اقتصادی موجب ایجاد مشارکت مردمی فعال و غیرفعال و تقویت حیات جمعی می‌شود. فرآیند اجتماع پذیری در درون فضاهای عمومی‌مبتنی بر چهار مرحله است: «پذیرا بودن فضا برای حضور افراد، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن از حضور در فضا و تداوم حضور اجتماعی فعال در

فضا (چرخچیان، ۲۰۰۷). شجاعی و پرتوی (۲۰۱۵)، به منظور سنجش اجتماع پذیری فضاهای عمومی‌سه بعد اجتماعی، کالبدی و فعالیتی را در نظر گرفته اند و در این چارچوب مؤلفه‌هایی چون دسترسی، راحتی، حفاظت، تسهیلات، انعطاف پذیری، تعاملات اجتماعی، راحتی، حفاظت، حضور مردم و فعالیت را بررسی کرده اند. محمدی و آیت‌اللهی (۲۰۱۵)، مؤلفه‌ها و ابعاد مؤثر در اجتماع پذیری فضا را دارای دو وجه کالبدی چون موقعیت قرارگیری و دسترسی‌ها، فرم، هندسه، تناسبات، تنوع و ساماندهی فضا و وجه فعالیتی چون ابعاد، ارزیابی عملکردی فضاها، نحوه استفاده کاربران از فضا، مشکلات و موانع تحرکات کاربران و ویژگی‌های اجتماعی انجام فعالیت می‌دانند. برخی فضای کالبدی را چون سامانه‌های فضایی میدانند که مشخصه‌های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی کاربران مؤثر است مشخصه‌های فضایی که خود موجب تشکیل کانون‌های فعالیت و اشتیاق به فعالیت در قسمت‌هایی خاص از فضا می‌گردد؛ ویژگی‌هایی چون حضور عناصر طبیعی، چشم اندازهای طبیعی، مصالح طبیعی (دانشگر، مقدم، ۲۰۱۵) و وجود عوامل کالبدی مانند مبلمان و کیفیت عناصر محیطی (قمری، ۲۰۱). مونترو مشخصه‌های فضای عمومی‌اجتماع پذیر را چنین بر می‌شمرد: امنیت، ساختار منسجم، تداوم، خوانایی، قلمرو، وجود تسهیلات مناسب، راحتی و آسایش محیطی، آموزش، پیچیدگی و رمزآلودی، تنوع، خلوت، دلبستگی و تعاملات اجتماعی (مونترو^۴، ۲۰۰۱). بنابراین می‌توان گفت اجتماع پذیری فضا، دارای ابعاد کالبدی، ادراکی و اجتماعی و عملکردی است که مکمل و ارتقادهنده یکدیگرند. در این میان بعد کالبدی که ناظر بر ویژگی‌های کالبدی-ساختاری و کیفیت محیطی است، بعد غالب اجتماع پذیر فضا است. چرا که در مقوله اجتماع پذیر فضا بعد کالبدی زمینه ساز ابعاد اجتماعی، انسانی و رفتاری محسوب می‌شود. از این رو در تحقیق حاضر در مدل تنظیم شده، ابعاد کالبدی اجتماع پذیر فضا در نظر گرفته شده است. در دیگرام یادشده مفهوم اجتماع پذیر فضا به مؤلفه‌ها و متغیرهایی تفکیک شده است. مؤلفه‌های امنیت کالبدی، هویت مندی، انتظام فضایی، چند منظوره بودن، بازی پذیری و آسایش زیستی شاخص‌های کیفیت فضا هستند که با تسهیل فعالیت، پذیرا ساختن محیط برای حضور افراد، تعامل اجتماعی و لذت از محیط، دعوت کنندگی و انعطاف‌پذیری بر کم و کیف اجتماع پذیر فضا تأثیر می‌گذارند. در همین راستا، پژوهش حاضر قصد دارد به

پرداخته است. افرادی چون کوین لینچ و جک نسر^۹ (۱۹۹۸) ابعاد بصری، ادراکی- معنایی و روانشناختی را بیشتر مورد بررسی قرار داده اند کین برای دستیابی به نگاهی جامع نگر به ماهیت عرصه‌های عمومی در بافت تاریخی لازم است با تلفیق نظریات و دیدگاه‌هایی که تاکنون راجع به زمینه‌های مورد توجه عرصه عمومی مطرح شده است، به ارائه طبقه بندی نوینی از مؤلفه‌های سازنده‌ی عرصه‌های اجتماعی در بافت تاریخی دست می‌یابیم. نظر می‌رسد علاوه بر مؤلفه‌های یاد شده که طی سالیان توسط نظریه پردازان معمار و شهرساز مطرح شده است، مؤلفه دیگری نیز هست که ضامن بقا و حیات کیفیت در فضاهای عمومی است. گاه فضاها با وجود طراحی مناسب و توجه اولیه به چهار مؤلفه کالبدی، عملکردی، معنا و زمینه اجتماعی، دچار زوال تدریجی کیفیت می‌شوند.



شکل ۱: مؤلفه‌های سازنده اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر مکان (منبع اگنیو^{۱۰}، ۱۹۸۷)

بنابراین کیفیت‌های عرصه عمومی قابل طبقه بندی به چهار مؤلفه «کالبدی»، «عملکردی»، «اجتماعی» و «معنایی» است، که مؤلفه «مدیریت» ضامن تحقق آن‌هاست. کیفیت‌های مرتبط با هر مؤلفه در عرصه عمومی بافت تاریخی به نمایش درآمده است. کیفیت‌های معنایی حاصل برآیند و رابطه کیفیت‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی هستند که تصویر و ادراکی از عرصه‌های عمومی در بافت تاریخی برای انسان فراهم می‌آورند. از مهمترین کیفیت‌های معنایی می‌توان به «قابلیت زیست»، «سرزندگی» و «حس مکان» اشاره کرد که تحقق آن‌ها در گروهی خلق مکان است. در لغت

این پرسش پاسخ دهد که بافت های تاریخی شهری چگونه می‌توانند امکان اجتماع پذیری را برای جامعه ی امروز فراهم آورند؟

مبانی نظری

برای شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های سازنده فضاهای جمعی عمومی باید ابعاد مؤثر در شکل‌گیری مکان به درستی شناخته شود. افراد مختلفی برای توضیح و تفسیر دقیق فضاهای اجتماعی در بافت تاریخی به بیان و بررسی محتوی ویا زمینه توجهات آن پرداخته اند. اما بر حسب حوزه کار یا گرایش خاص خود نسبت به موضوع، اغلب یک یا چند زمینه را پررنگ تر از بقیه موارد تحلیل و بررسی قرار داده اند. مکان فضایی است که برای فردی گروهی از مردم واجد معنی باشد. این تعریف به صورت «مکان = فضا + معنی» بیان می‌شود (هرسیون و داریوس^۵، ۱۹۶۶).

رلف^۶ بیان می‌کند که «مکان، ترکیبی است از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر، تجربه شخصی، اهمیت دادن و پاسداری از کاشانه و زمین‌های برای دیگر مکان‌ها». وی بر این عقیده است که فهم مکان می‌تواند منجر به احیا و نگهداری مکان‌های موجود و خلق مکان‌های جدید گردد (رلف، ۱۹۷۶: ۲۹).

لینچ در کتاب تئوری شکل شهر، معنای فضا را حاصل رابطه بین عناصر فضا با ساختارهای ذهنی مشاهده‌گر می‌داند. در این تعریف منظور از عناصر و اجزای فضا، عواملی است که محیط کالبدی به وسیله آن‌ها تعریف می‌شود. الگوهای ذهنی در تعریف لینچ دربرگیرنده تمام مفاهیم و ارزش‌هایی است که شامل فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و ... استفاده‌کنندگان از فضا است. وی معنای مکان را معادل مفهوم هویت تعریف می‌کند و معتقد است که «هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها شناخته ویا بازشناسی نماید، به‌طوری‌که شخصیتی مشخص، بی‌ظنیر و حداقل مخصوص به خود را دارا باشد» (لینچ، ۱۶۸: ۱۳۸۷).

مثلاً افرادی چون راب کریپر^۷ (۱۹۷۹) زمینه‌های مورفوزیک و کالبدی فضاها را بیشتر مورد بررسی قرار داده اند. رفتارگرایی چون ویلیام وایت ویان گل بیشتر بر فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی در عرصه‌های عمومی و تاریخی تأکید داشته‌اند. موننگومری^۸ (۱۹۹۷) نیز با تأکید بیشتر بر ابعاد اقتصادی، به بررسی عرصه‌های تاریخی

شامای می‌گوید می‌تواند طیفی از بی تفاوتی تا حس فداکاری و غرور را در برگیرد. بنابراین مکان‌های معنی‌دار در یک بستر اجتماعی و بر اثر تعاملات اجتماعی میان افراد در یک محیط فیزیکی شکل می‌گیرند که با بسترهای فرهنگی، اجتماعی و فعالیت‌های حاکم بر آن جامعه در پیوند هستند. این امر باعث تشکیل یک حس مکان شخصی می‌شود که خود در نهایت منجر به شکل‌گیری نوعی هویت ذهنی نسبت به محیط در ذهن فرد می‌گردد (اگنیو، ۱۹۸۷).

پس از برآیند آرای نظریه پردازان که در جدول ۱ نشان داده شده چهار مولفه کالبدی، ادراکی، اجتماعی و عملکردی جهت سنجش و بررسی انتخاب شدند. در ادامه در جدول پایین به ریز مولفه‌های کلی مولفه‌ها اشاره می‌شود و سپس در جدول برآید ریز مولفه‌های مورد نیاز در پژوهش استخراج خواهد شد.

نامه رابرت کوان، «سرزندگی» شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف شبانه روز و در بخش‌های مختلف است؛ سرزندگی قابلیت یک مکان مهیج، دعوت کننده و معاشرت پذیر برای حضور طیف متنوعی از اقشار جامعه است که به اهداف مختلف) درگیری فعال یا غیرفعال، برگزاری مراسم، رویدادها و غیره (برای انجام فعالیت‌های گوناگون (اعم از فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی) و در ساعات متفاوت شبانه روز، برای گذراندن زندگی جمعی خود در آن مکان گرد هم می‌آیند (دهقان، ۲۰۱۲). در صورتی که «قابلیت زیست»، ظرفیت شهر برای جذب سرمایه و بقاء، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است (کوان^{۱۱}، ۲۰۰۵). چنین کیفیت ادراکی در مقابل «متروکه بودن» محیط تعریف می‌شود. حس مکان نیز کیفیتی ادراکی حاصل از تعامل انسان، محیط و تجربه انسان از روح مکان که همان طور که

جدول ۱: جمع بندی نظریان اندیشمندان مختلف در مورد مولفه‌های تشکیل دهنده فضاهای اجتماعی

	اندیشمندان											
	توان (۱۹۷۷)	رولف و کانتر (۱۹۷۷)	شولتز (۱۹۸۰)	رایپورت (۱۹۸۲)	لینچ (۱۹۸۴)	اگنیو (۱۹۸۷)	لوو و آتسن (۱۹۹۳)	جان جکسن (۱۹۹۸)	گیرین (۲۰۰۰)	گوستافسون (۲۰۰۱)	ستالو (۲۰۰۲)	مانزو (۲۰۰۵)
حس مکان	✓	✓		✓	✓	✓			✓	✓	✓	✓
خاطره انگیزی	✓	✓					✓		✓	✓	✓	✓
تاثیر پذیری فرهنگی	✓					✓	✓	✓				
آسایش فرهنگی		✓	✓	✓	✓	✓				✓		
فرهنگ پذیری		✓	✓	✓	✓	✓				✓		
تعاملات اجتماعی		✓					✓				✓	
امنیت	✓	✓					✓	✓	✓	✓	✓	✓
حضور پذیری			✓	✓	✓	✓			✓		✓	✓
آسایش			✓	✓	✓	✓			✓		✓	✓
سرزندگی		✓					✓		✓	✓	✓	✓
دسترسی		✓		✓					✓			
راحتی			✓	✓			✓					
حفاظتی			✓			✓				✓		
تسهیلات						✓			✓			
فعالیت بیرونی	✓	✓				✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
فعالیت	✓	✓				✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

(منبع: نگارنده)

جدول ۲: جدول برآید ریز مولفه‌های مورد نیاز در پژوهش

مولفه کالبدی	مولفه عملکردی	مولفه اجتماعی
تناسب و محصوریت	اختلاط عملکرد و فعالیت	معاشرت پذیری
آسایش اقلیمی	تسهیل دسترسی	ایمنی و امنیت
نفوذپذیری	تنوع عملکردی	همه شمولی
تبدیل پذیری کالبدی	گردشگری شهری	انعطاف پذیری و انطباق پذیری
زمینه و تشخیص سیما	تبدیل پذیری عملکردی	قرارگاه رفتاری
شفافیت	بر (جداره (فعال و سرریز فعالیتی	زندگی شبانه
غنا و تنوع کالبدی		



مولفه ادراکی

قابلیت زیست	حس تعلق	حس زمان
خوانایی	خاطرات جمعی	غنا‌ی حسی
تجسم پذیری	حس مکان	تشخص و هویت
سرزندگی		

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و کمی قرار دارد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است. توصیفی است چرا که به توصیف و شناخت تاثیر فرهنگ در فضاهای عمومی و عوامل ارتقا و ایجاد آن پرداخته است. تحلیلی است چرا که نیازمند بررسی رابطه عوامل مختلف با فرهنگ در فضاهای عمومی بوده و در بخش‌هایی از تحقیق از روش تحلیلی استفاده شده است. در بخش اصلی تحقیق یعنی مطالعه موردی از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این روش، پرسشنامه و مشاهدات میدانی بوده است. با استفاده از مطالب و اطلاعات گردآوری شده در بخش مبانی نظری، متغیرهای مورد بررسی مشخص شده و سپس برای سنجش هر یک از متغیرها، تعدادی گویه و سؤال تدوین شده است که مجموع گویه‌ها و سئوال‌ات تکمیلی، ساختار پرسشنامه را تشکیل می‌دهند. در تدوین سئوال‌ات پرسشنامه تلاش می‌شود که سئوال‌ات در راستای شاخص‌های به دست آمده در چارچوب مفهومی پژوهش به عنوان ارزیابی تأثیر مؤلفه‌ها و شاخص‌های کیفیت محیطی بر الگوهای اجتماعی در محیط‌های اجتماعی و تاریخی طراحی شود و از این طریق شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مدنظر پژوهش در قالب سئوال‌ات ملموس و بدون ابهام، از شهروندان بومی و بازدیدکنندگان از مجموعه‌های معرفی شده، پرسیده

می‌شود و سپس مورد تحلیل قرار گیرد. به عنوان نمونه در مبحث عوامل کالبدی اقدام به طرح پرسش‌هایی در رابطه با زیرشاخص ارتباطات و دسترسی‌ها گردید؛ تعداد سئوال‌ات پرسشنامه در این پژوهش ۳۶ گویه و جامعه مد نظر بر اساس حجم نمونه و فرمول کوکران بدست خواهد آمد که بین بازدیدکنندگان از بافت‌های تاریخی شیراز توزیع خواهد شد. در راستای اهداف تحقیق علاوه بر استفاده از اطلاعات به دست آمده از طریق تجزیه و تحلیل پرسشنامه، همان طور که اشاره شد، اقدام به مشاهدات میدانی در بازه‌های زمانی مختلف و از طریق تقسیم بندی فضای مورد مطالعه، به صورت پیمایشی و مشاهدات مستقیم شده است. همچنین فعالیت‌هایی که به طور معمول در بخش‌های مشخصی از فضای مورد مطالعه شکل می‌گرفت، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. در بخش آمار استنباطی، روش مورد استفاده به منظور آزمون فرضیات تحقیق آزمون t تک نمونه‌ای می‌باشد، لذا به منظور برقراری پیش فرض این آزمون و تعیین نرمال بودن از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردیده است

اگر تست کولموگروف-اسمیرنوف رد شود، داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند، و امکان استفاده از آزمون‌های آماری پارمتریک برای تحقیق، وجود دارد. بالعکس، اگر تست کولموگروف-اسمیرنوف تأیید شود، یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند، بنابراین باید از



شناخت بستر پژوهش

جهت سنجش مدل مفهومی ساخته شده برای ارتقاء اجتماع پذیری فضاهای اجتماعی، بخشی از شهر شیراز شامل (بافت تاریخی شیراز) منطقه ۸ تقسیمات شهری انتخاب شده است. بافت قدیم شهر شیراز به مساحت تقریبی ۳۶۰ هکتار در قلب شهر جای دارد. این محدوده که ۸/۲ درصد مساحت کل شهر را شامل می‌شود، هسته اولیه نمودار گیری شهر شیراز در آن جای دارد و طی دورانه‌های مختلف توسعه و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است که حدود آن دروازه‌ها و حصار دور شهر در دوره زندیه می‌باشد. مهمترین مراکز مذهبی شهر و قسمت عمده‌ای از بناها و مجموعه‌های با ارزش تاریخی این محدوده واقع است. در واقع این منطقه شیراز قدیم می‌باشد که طی فرایندهای رشد و توسعه شهری و افزایش جمعیت به عنوان زیر مجموعه‌ای از کل شهرداری آمده که دارای ویژگیهای خاص خود می‌باشد وجود ۴۰۰ اثر بار ارزش، ۸ دروازه و ۱۲ مرکز و چندین محور فرهنگی می‌تواند تبلوری از شیوه زندگی، روابط اجتماعی، آداب و رسوم، باورها، تاریخ و هنر و به طور کلی بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی هر دوره باشد. حفظ و نگهداری و مرمت این آثار و مجموعه‌ها علاوه بر این که حیات دوباره‌ای به این آثار می‌دهد، از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز هویت تاریخی فرهنگی شهر شیراز را احیا می‌کند. جمعیت ساکن در این منطقه حدود ۷۵۰۰۰ نفر می‌باشد. که حدود نیمی از آنها غیر بومی هستند تعداد خانه‌های موجود در بافت تاریخی فرهنگی شیراز ۱۱۱۴۷ واحد می‌باشد.

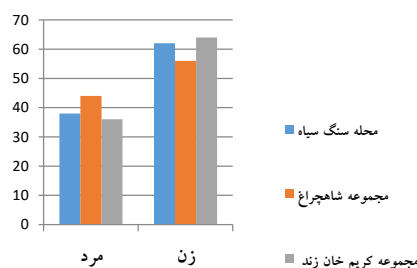


شکل ۱: عکس هوای از منطقه ۸ شیراز (گوگل ارت، ۲۰۲۱)

هسته‌ی فرهنگی تاریخی شهر شیراز به عنوان حوزه فراگیر با وسعتی معادل ۳۷۸ هکتار، طی یک فرآیند تدریجی ۱۳۰۰ ساله نمودار گرفته است. استخوانبندی اصلی منطقه بافت قدیم را گذرهای تاریخی، مراکز فعالیت و عناصر شاخص فرهنگی و تاریخی تعریف میکند و این بافت یکی از با ارزشترین پهنه‌های شاخص را در

آزمون‌های ناپارمتریک در تحقیق استفاده کنیم). همچنین برای رتبه‌بندی ابعاد، مولفه‌ها عوامل موثر بر سنجش بافت تاریخی در بخشی از شهر شیراز شامل ۳ بافت تاریخی از دوره‌های مختلف تاریخی شهر شیراز که در هر دوره به وجود آمده اند نمونه‌های منتخب این پژوهش نیز یک مجموعه تاریخی و بازار آن (مجموعه زندیه) یک مکان مذهبی (مجموعه شاهچراغ) و یک محله مسکونی (محله سنگ سیاه) همگی از مرکز تاریخی شهر شیراز می‌باشند. تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در این تحقیق بوسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام می‌شود. در این بخش سعی شده است که تمام عملیات آماری انجام شده بر روی پرسشنامه در قالب دسته‌بندی معین، ارائه شود. در این پژوهش آمار توصیفی و سپس نتایج آزمون‌های آماری (آمار استنباطی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمودار زیر به روش اجرای تحقیق می‌پردازد.

حجم نمونه در این پژوهش براساس فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد با خطای نمونه گیری ۱۰ درصد ۱۰۰ نمونه انتخاب شده است. توزیع ۱۰۰ پرسشنامه در هر کدام از فضاهای یعنی، مجموعه کریم خان زند، مجموعه شاهچراغ و محدوده تاریخی سنگ سیاه واقع در بافت تاریخی شهر شیراز مورد نظر می‌باشد و به این ترتیب ۳۰۰ پرسشنامه در کل توزیع می‌شود و حجم نمونه انتخابی در کل ۳۰۰ است. نمودار ۱ جنسیت پرسش شونده‌گان را نشان می‌دهد. جامعه آماری برای تمامی ساکنان و بازدیدکنندگان از اماکن اجتماعی واقع در بافت تاریخی شیراز و در گروه سنی ۱۵ تا ۶۰ سال می‌باشد. استفاده از روش‌های آماری می‌توان تا حد زیادی نسبت به محاسبه حجم نمونه کافی با در نظر گرفتن سطح اطمینان مشخص، مطمئن بود. به منظور شناخت فضاهای منتخب ابتدا به شناخت بستر پژوهش پرداخته شده و سپس به تحلیل یافته‌های حاصل از پرسشنامه پرداخته می‌شود.



نمودار ۱: جنسیت پرسش شونده‌گان (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

مولفه‌ها و ابعاد کمتر از ۵ صدم است، می‌توان چنین برداشت کرد که میانگین این ابعاد، اختلاف معنی‌داری با عدد ۳ دارد. دو ستون آخر حد پایین و بالای فاصله اطمینان ۹۵ درصدی را برای میانگین این متغیر نشان می‌دهد. با توجه به اینکه حدود بالا و پایین برای تمام متغیرها مثبت است، میانگین این متغیر از ۳ بیشتر است. در نتیجه با توجه به حدود بالا و پایین سطر آخر این خروجی، می‌توان نتیجه گرفت که عامل اجتماعی و ابعاد آن (تعاملات اجتماعی، امنیت، حضورپذیری، آسایش، سرزندگی) در مجموعه زندیه شیراز و مجموعه شاهچراغ در وضعیت مطلوبی قرار دارند. ولی با توجه به حدود بالا و پایین سطر آخر این خروجی، می‌توان نتیجه گرفت که عامل اجتماعی و ابعاد امنیت، حضورپذیری، آسایش و سرزندگی در محدوده تاریخی سنگ سیاه در وضعیت مطلوبی قرار دارند. همچنین با توجه به اینکه سطح معنی‌داری برای بعد تعاملات اجتماعی بزرگتر از ۵ صدم است، بنابراین میانگین این بعد، اختلاف معنی‌داری با عدد ۳ دارد. با توجه به اینکه حدود بالا و پایین برای این متغیر منفی است، میانگین این متغیرها از ۳ کمتر است. در نتیجه با توجه به حدود بالا و پایین سطر آخر این خروجی، می‌توان نتیجه گرفت که بعد تعاملات اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

حضور جمعی در مکانی ویژه، تجربه‌ای است که شهروندان شهرهای امروزی به داشتنش حسرت می‌خورند. شهروندان در جای جای شهرشان به دنبال فضاهایی هستند که با نیازها و اولویتشان منطبق باشد، احساساتشان را برانگیزد، دیدار هم‌نوعان و دوستان را برایشان میسر سازد و به تعالی روحی آنها کمک کند، و در فضایی علاوه بر کسب آرامش روحی در ارتقا سطح و آموخته‌های فرهنگی اش قدم بردارد. چرا که گریز از

منظر شهری شیراز تشکیل می‌دهد. عناصر اصلی بافت تاریخی شامل مسجد و بازار و محله‌ی مسکونی است که نمونه‌های منتخب این پژوهش نیز یک مجموعه تاریخی و بازار آن (مجموعه زندیه) یک مکان مذهبی (مجموعه شاهچراغ) و یک محله مسکونی (محله سنگ سیاه) همگی از مرکز تاریخی شهر شیراز می‌باشند. در این پژوهش سه محدوده نسبتاً شلوغ که پویایی اجتماعی بیشتری نسبت به سایر مناطق دارند را به عنوان نمونه انتخابی در نظر گرفته ایم این سه محدوده شامل مجموعه کریم خان زند و مجموعه شاهچراغ و محدوده سنگ سیاه شیراز می‌باشد.



شکل ۲: سه محدوده‌ی مدنظر جهت بررسی آبی: مجموعه زندیه، قرمز: شاهچراغ و زرد: محدوده سنگ سیاه منبع (منبع: گوگل ارت، ۲۰۲۱)

یافته‌ها

جهت بررسی بعد اجتماعی پنج معیار به طور جداگانه در نظر گرفته شده که در این بعد نیز تحلیل کیفی، آمار توصیفی و استنباطی جهت سنجش هر معیار به کار گرفته شده است. نتایج به تفکیک هر معیار در نمودار ۳ آمده است.

با توجه به نتایج آزمون T، اینکه مقدار سطح معنی‌داری برای عامل اجتماعی و ابعاد آن، در تمام



نمودار ۳: مقایسه معیارهای بعد اجتماعی در فضاهای مورد بررسی (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

بحث و نتیجه‌گیری

پیرو نتایج بدست آمده، موارد حائز اهمیت از نظر برآیند نتایج پرسشنامه و مطالعات انجام گرفته به شرح موارد ذیل می‌باشد:

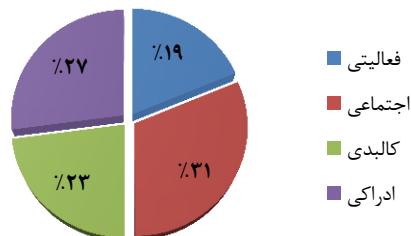
با توجه به تقسیم بندی معیارها در چهار بُعد کالبدی، اجتماعی، ادراکی (معنایی) و فعالیتی؛ بیشترین بخش حائز اهمیت، فعالیت‌ها و اتفاقات انجام شده در محیط می‌باشد که در «بُعد اجتماعی» جای گرفته است شامل تعاملات خود سازمان یافته چون برگزاری مراسمها متناسب با مناسبات و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی و مذهبی، تعاملات اجتماعی تصادفی جهت افزایش مشارکتهای عمومی و دسترسی تمامی اقشار از گروه‌های سنی و جنسی مختلف و علی‌الخصوص حضور قشر فرهیخته جامعه در فضا بدلیل بهره‌گیری از تجارب و نظرات خبرگی این اشخاص، آسایش روانی مخاطبان از حیث وسعت دید، هم‌آوایی با طبیعت و دوری از آلودگی‌های صوتی و آب و هوایی و تامین امنیت و سلامت روانی فضا.

بخش حائز اهمیت بعدی، معنا و حس مکان دریافتی در محیط می‌باشد که در «بُعد ادراکی» جای گرفته است شامل حس مکان، آسایش روانی (هم‌آوایی با طبیعت)، آسایش روانی (کاهش آلودگی صوتی و...)، لزوم حضور قشر فرهیخته، حضور تمامی اقشار و وجود معنا و مفهوم در برنامه‌ها.

در رتبه سوم «بُعد فعالیتی» شامل افزایش فضاهایی جهت انجام گفت و شنودهای صمیمانه و دوستانه و نیز سایر فعالیت‌های جنبی چون رستوران، کافه‌ها و فروشگاه‌های فرهنگی و صنایع دستی و ...

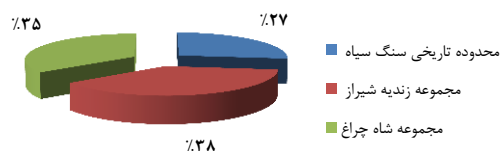
در رتبه بعدی «بُعد کالبدی» مواردی چون دسترسی‌های مجموعه (قرارگیری در بافت شهری، دسترسی به فضای تاریخی شهر و حمل و نقل عمومی)، راحتی فیزیکی و تامین حفاظت از منظر مباحث اقلیمی و ایمنی فضا، تامین تسهیلات و امکانات کافی، لحاظ نمودن مباحث زیبایی شناسی، شفافیت فضا، رمزگرایی و ابهام‌های قابل کشف در فضا، ایجاد فضاهای نمادین، وحدت و نظم و یکپارچگی در فضا و انطباق با فرهنگ و آداب و رسوم در طراحی فضا و همچنین وجود فعالیت‌ها و کاربری‌های متنوع که سبب استفاده افراد مختلف با سلیق متفاوت در فضا می‌شود.

تنش‌های روزمره زندگی و زنده شدن دیدارها تنها در یک بستر اجتماعی امکان پذیر است. آنچه که از موارد بدست آمده و همچنین مطالعات پیشین کسب می‌گردد آن است که؛ تمامی موارد یاد شده و حائز اهمیت از منظر مخاطبان و آنچه که به عنوان اجتماع پذیری فضاهای جمعی به عنوان رویکرد مورد تحلیل بیان شده (نمودار ۴) از هم خوانی بالایی برخوردار است و می‌توان از این حیث نیز چنین نتیجه گرفت که بسیاری از موارد یاد شده و تاثیر گذار در اجتماع پذیری، بخشی از خواسته مخاطب در مراکزی چون فضاهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در نمودار ۴ بالاترین مولفه از هر شاخصه با توجه به آزمون فریدمن نمایش داده است.



نمودار ۳: مهمترین دلایل انتخاب فضای تاریخی بر اساس شاخص‌ها (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

طی مطالعاتی که صورت گرفت می‌توان به نتایجی از این دست نیز اشاره کرد. دلیل انتخاب مجموعه زندیه شیراز به دلیل موفق بودن این فضا در جذب افراد است. مجموعه زندیه شیراز با وجود خدمات و تسهیلات و جذابیت‌هایی که دارد به عنوان فضایی موفق عمل کرده و از اجتماع پذیری بالایی نیز برخوردار است. باید توجه داشت که استفاده مردم از فضاهای تاریخی محلی شان به دلیل جذابیت این فضاها مشخصا می‌باشد. چون کارکرد فضاهای مطرح شده شهری می‌باشد و محلی نیست.



نمودار ۴: مقایسه اجتماع پذیری در فضاهای مورد بررسی (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

جدول ۳: مهم ترین علت حضور افراد براساس مولفه‌های بدست آمده از مبانی نظری و نظرات مخاطبان

رتبه	بُعد	رتبه بندی مولفه‌ها	میانگین رتبه مولفه	مولفه	معیار
		۳	۲/۵۷۴	امنیت	حفاظت امنیت
		۱	۱/۳۴۲	آسایش	آسایش روانی (هم آوایی با طبیعت) آسایش روانی آسایش روانی (کاهش آلودگی صوتی و...)
۱	۶ ۳ ۱	۴	۲/۹۱۵	حضور پذیری	لزوم حضور قشر فرهیخته حضور تمامی اقشار
		۵	۳/۶۱۴	تعاملات اجتماعی	تعاملات اجتماعی خود سازمان یافته تعاملات اجتماعی تصادفی
		۲	۱/۶۷۵	سرزندگی	دسترسی

(منبع: نگارنده)

برای اداره شهر و ویژگی‌های مردم و حاکمان و مختصات اصول حاکم بر تفکر و فعالیت‌های انسان، به اصول و ارزش‌هایی اشاره نموده اند که طبیعتاً بر شکل دادن محیط و متقابلاً تأثیر آن بر رفتارهای فردی و جمعی تأثیر داشته اند. در ادامه در فصل آتی به بحث و نتیجه گیری در باب نتایج بدست آمده پرداخته خواهد شد و در نهایت به پاسخ به سوالات تحقیق و اثبات فرضیه‌های بیان شده منجر می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق، موارد زیر به پژوهشگران این حوزه توصیه می‌شود:

- تحقیقات علمی گسترده تر مسلماً به خوانش تعداد دیگری از مفاهیم معنایی نهفته در معماری مراکز اجتماعی بافت تاریخی کلان شهر (شیراز) ، خواهد انجامید. بنابراین اولین پیشنهاد ادامه طی مسیر شناخت این مفاهیم پنهان در لایه های مختلف معنایی بافت های تاریخی است.
- انجام تحقیق گسترده تر بر روی روش و نحوه ساخت مراکز اجتماعی که در بافت های ارزشمند تاریخی کلان شهرها بجای مانده اند و همچنین تدوین ضوابط جامع و کامل ساخت بناهای جدید در بافت های تاریخی که امروزه می‌تواند راهگشای معماری معاصر این سرزمین باشد.
- انجام پژوهش های مشابه، در مقیاس ملی و کلان شهرهای ایران بدین‌صورت که نقش مراکز اجتماعی در معماری بافت های تاریخی مشخص و نحوه ساخت مراکز اجتماعی از منظر کمی و کیفی در پس کالبد بافت های ارزشمند تاریخی در مقیاس میانی و کلان نیز در وسعت ملی مشخص گردد که به حتم مطالب

آنچه که از نتایج حاصله از جدول ۳ استنتاج می‌گردد، آن است که عمده افرادی که در فواصل طولانی در مراکز عمومی و جمعی حضور می‌یابند، تمایل بالایی جهت حضور بیشتر در چنین مراکزی را دارند و براساس میزان حائز اهمیت بودن برخی معیارها از دید این افراد، می‌توان معیارهایی که سبب افزایش مخاطب در فواصل کمتر می‌گردد را استخراج نمود، چنین افرادی معتقد به وجود احساس آرامش، امنیت، آزادی فعالیت‌های متنوع اجتماعی، دسترسی آسان، هم آوایی با طبیعت در فضا، مباحث حفاظت‌های اقلیمی و همچنین وجود سایر فعالیت‌های جنبی و امکاناتی چون کافه‌ها و رستوران‌ها جهت برگزاری جلسات شخصی و گروهی آمدن افراد را دارند. همچنین کمترین میزان استفاده افراد از مراکز جمعی و تاریخی، مباحث آموزشی می‌باشد که نظر به توضیحات ارائه شده توسط افراد و مطالعات میدانی صورت گرفته توسط پژوهشگر می‌توان چنین بیان نمود که با بهبود وضعیت مراکز آموزشی در فضاهای اجتماعی تاریخی تعداد افراد بیشتری را به این محیط‌ها جذب نمود.

حال می‌توان این گونه شرح داد که، معانی نمادین محیط مصنوع و عناصر آن (مثل شهر، معابد، آرامگاه‌ها، مقابر و خانه‌ها) در هریک از تمدن‌های بشری گویای معنایی است که محیط به ذهن انسان متبادر می‌سازد و در نتیجه در ادراک او از محیط و بر رفتار او در محیط تأثیر کرده و در نهایت فرهنگ او را شکل داده و متحول می‌نموده است. تأثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الایام مورد توجه فلاسفه و مصلحین بوده است. برای نمونه جملگی کسانی که به تبیین ویژگی‌های شهرهای آرمانی و مدائن فاضله پرداخته اند

- Australia ICOMOS. The Burra Charter. ICOMOS: Burra, Australia (1999). Available online: www.icomos.org/australia/burra.htm (accessed on 15 August 2017).
- Butina-Watson, G.B., Bentley, I. (2007). *Identity by Design*; Architectural Press: Oxford, UK.
- Carrion, F.M. (2005). The Historical Centre as an Object of Desire. *City Time*, 1, 3.
- Carta, M. (1999). *L'armatura Culturale del Territorio Il Patrimonio Culturale Come Matrice di Identità e Strumento per lo Sviluppo*; Franco Angeli: Milano, Italy.
- Cheshmehzangi, A. (2012). Identity and public realm. *Soc. Behav. Sci.* 50, 307–317.
- Cheshmehzangi, A. (2015). Urban Identity as a Global Phenomenon: Hybridity and Contextualization of Urban Identities in the Social Environment. *J. Hum. Behav. Soc. Environ.* 25, 391–406.
- Evans, G. (2005). Measure for measure: Evaluating the evidence of culture's contribution to regeneration. *Urban Stud.* 42, 959–983.
- Goldstein, J., Elliott, C. (1993). *Designing America: Creating Urban Identity*; Van Nostrand Reinhold: New York, NY, USA.
- Graham, B., Ashworth, G., Tunbridge, J. (2000). *A Geography of Heritage: Power, Culture and Economy (Hodder Arnold Publication)*; Routledge: London, UK
- Hague, C., Jenkins, P. (2017). *Place Identity, Planning and Participation*; Routledge: London, UK.
- Halbwachs, M. (1992). *On Collective Memory*; University of Chicago Press: Chicago, IL, USA; London, UK.
- Jacobs, J. (2011). *The Death and Life of Great American Cities*; Modern Library: New York, NY, USA.
- Jones, P., Evans, J. (2013). *Urban Regeneration in the UK*; Sage: London, UK.
- Kelbaugh, D. (1997). *Common Place: Toward Neighborhood and Regional Design*; University of Washington Press: Seattle, WA, USA.
- Kim, J. (2000). Understanding Elements of Local Identity of Place: Physical vs. Personal-Social Attributes. In Proceedings of the 88th ACSA Annual Meeting Proceedings, Heterotopolis, La Verne Wells-Bowie, Los Angeles, CA, USA.
- Lynch, K. (1972). *What Time is This Place?* MIT Press: Cambridge, MA, USA.
- Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*; MIT Press: Cambridge, MA, USA.
- Lynch, K. (1960). *The Image of the City*; MIT Press: Cambridge, MA, USA.
- تازه زیادی برای فهم این موضوع در بستر معماری بافت های تاریخی در بر خواهد داشت.
- این پژوهش، در بستر معماری های بافت های ارزشمند تاریخی دیگر مناطق ایران با اقلیم، فرهنگ، دوره ها و سبک های متفاوت نیز قابل انجام است و احتمالاً نتایج متفاوتی خواهد داشت. پیشنهاد می گردد پژوهش های جداگانه ای، به تنهایی یا به طور مقایسه ای انجام و بررسی شود که به طور حتم برای شناخت دقیق تر طراحی معماری مراکز اجتماعی در بافت های تاریخی آن مناطق نتایج بسیار درخوری در بر خواهد داشت.
 - از آنجایی که بافت های تاریخی در کلان شهرهای مرکزی قطب گردشگری ایران را تشکیل می دهند، می توان با انجام تحقیقات گسترده تر در رشته های همانند طراحی شهری نظیر بررسی نظام منظر شهری در کنار کالبد و کاربری- فعالیت و در بافت تاریخی در پژوهش های دیگر سبب گردد این بافت همچون کلیتی منسجم دارای وحدت شکلی و معنایی باشد.
- اعلام عدم تعارض منافع
- نویسندگان اعلام می دارند که در انجام این پژوهش هیچ گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.
- منابع و مآخذ**
- آفاجانپور، علی. (۱۳۹۷). روان شناسی محیط. تهران: انتشارات سیمیا
- بهزادفر، مصطفی و نورمحمدزاده، حسین. (۱۳۹۱). بافت شناسی بافت کالبد تاریخی شهر یزد با نگرش سیستمی، مقاله منتشر شده در شماره ۲۹ دو فصلنامه مدیریت شهری، تهران.
- حاج محمدلو، فاطمه و قدوسی فر، هادی. (۱۳۹۶)، بررسی مولفه های اجتماعی پذیری در فضاهای عمومی، مقاله ارائه شده در چهارمین کنفرانس بین المللی معماری و شهرسازی پایدار.
- مضطرزاده، حامد و حجتی، وحیده. (۱۳۹۵)، معیارهای ساختار محلات شهری پایدار با تکیه بر اقلیم گرم و خشک ایران، انتشارات آذرخش، تهران
- Alexander, C. (1977) *Sara Ishikawa, and Murray Silverstein. A Pattern Language*; Oxford University Press: New York, NY, USA.
- Alexander, C., Hajjo, N., Artemis, A., Ingrid, K. (1987). *A New Theory of Urban Design*; Oxford University Press: New York, NY, USA.

- Nora, P. (1996-98). *Realms of Memory 1-3*; Columbia University Press: New York, NY, USA.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*; Rizzoli: London, UK, 1980.
- Relph, E. *Place and Placelessness*; Pion: London, UK.
- Roberts, P. (2000). The evolution and Purpose of Urban Regeneration. In *Urban Regeneration: A Handbook*; Roberts, P., Hykes, Eds. Sage: London.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*; Opposition Books: New York, NY, USA.
- Scheffler, N., Kulikaukas, P., Barreiro, F. (2009). *Managing Urban Identities: Aim or Tool of Urban Regeneration?* Academia Press: New York, NY, USA.
- Schuster, J., Davidson, M. (1989). Growth and the Loss of Regional Character. *Places*, 6, 78-86.
- The Academy of Urbanism. (2011). *Urban Identity, Learning from Place 2*; Routledge: Oxon, UK.
- Tunbridge, J.E., Ashworth, G.J. (1996). *Dissonant Heritage: The Management of the Past as a Resource in Conflict*; Wiley: Hoboken, NJ, USA.
- Tweed, C., Southerland, M. (2007). Built cultural heritage and sustainable urban development. *Landsc. Urban Plan.* 83, 62-69.
- UN-HABITAT. (2011). *State of the World's Cities 2010/2011: Bridging the Urban Divide*; Earthscan: London, UK.
- Urry, J. (1995). *Consuming Places*; Routledge: London, UK; New York, NY, USA.

یادداشت‌ها

- ¹ Jahanbakhsh
- ² Bonaiuto & Bonnes
- ³ Osmand
- ⁴ Avila Montero
- ⁵ Harrison & Dourish
- ⁶ Relph
- ⁷ Krier
- ⁸ Montgomery
- ⁹ Nasar
- ¹⁰ Agnew
- ¹¹ Cowan